

## توسل و شفاعت در اشعار شهاب محمود الحلبی

محمد اشرف زاده<sup>۱</sup>، بهنام خلاش<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان «توسل و شفاعت در اشعار شهاب محمود الحلبی» می‌باشد که به بررسی و تبیین اشعار شهاب محمود الحلبی می‌پردازد. در این مقاله نمونه‌هایی از اندیشه‌های شاعران دوره فترت در قالب شعر در حقانیت مکتب تشیع در مسأله توسل مورد بررسی قرار می‌گجیرد. شعر دوره فترت مملو از اشعاری است: درباره توسل به ذات پیامبر(ص) و اولیاء(ع) و توسل به قبور این صالحان. شعر و ادبیات هر قوم یا مکتب و آئین، آیینه افکار، باورها و گرایش‌های آن است، درباره شعر توسل نیز می‌توان گفت که نماد تفکر، اعتقادات و فرهنگ مکتبی شیعه در آیینه ادبیات آیینی شاعران ولایی متجلی است. از آنجا که شعر توسل نماد تشیع است، چندان هم گزافه نیست اگر شعر توسل را هم خانواده و همسو با شعر شیعی به شمار آوریم. شاعرانی همچون شهاب محمود الحلبی از جمله شاعران شیعه و مبارزی که قدم در این عرصه گذاشته است. با توجه به مطالب مذکور یافته‌ها حاکی از آن است که دوره فترت یکی از دوره‌های تاریخی است که با فراز و نشیب‌های بسیاری توأم است و بخش عمده مضامین شعری دوره فترت، شعر مدح است، که همین، عامل اصلی در پیدایش و شکل‌گیری شعر توسل است و در کنار عوامل سیاسی و مذهبی حاکم بر دوره فترت، مودت و دوستی پیامبر(ص) و ائمه(ع) چشمه‌سار زلال اندیشه شاعران این دوره است و شاعران بسیاری از شیعه و سنی دیوان خود را مزین به مدح و توسل به خاندان عترت و طهارت نموده‌اند.

واژگان کلیدی: توسل، شفاعت، دوره فترت، شهاب محمود الحلبی.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور قم

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان عربی، دانشگاه تربیت مدرس تهران

## مقدمه

قرار ندهد و علیرغم ظهور انکار توسل در این دوره می‌بینیم، اشعار توسل در این دوره بسیار زیاد است.

## توسل در اصطلاح

جریان توسل و شفاعت برای تکامل در مسیر حق و نیل به پاداش پرشکوه، در عالم هستی است. هر کار نیک و شایسته‌ای را شامل می‌شود و هر صفت نیکی در آن درج است، چرا که همه، موجب قرب پروردگار است. «توسل در اصطلاح به این معناست، انسان در هنگام دعا و استغاثه، به درگاه الهی چیزی عرضه کند که واسطه پذیرش توبه و اجابت دعای او و برآورده شدن درخواستش باشد، مانند صفات و اسمای الهی یا نام پیامبر اکرم و دعای آن حضرت یا نام اولیا و فرشتگان. توسل عبارت است از خواستن حقیقی از حقیقت وجودی انسان‌هایی برگزیده و کامل، برای وساطت در امر خیری مربوط به دنیا یا آخرت» (غروی‌ان، ۱۳۶۸: ۲۱).

## شفاعت

منظور از شفاعت این است که در روز رستاخیز اولیاء و انبیاء از بندگان و امت خود به پیشگاه خداوند طلب عفو و مغفرت کرده و آنها را واسطه قرار دهند. در این مورد آرا و عقاید مختلف است «معتزله و خوارج اصولاً مسأله شفاعت را منکر شده‌اند و گویند کسی پس از اینکه وارد آتش جهنم شد دیگر از آن نجات نیابد. اهل سنت و اشعریه و کرامیه گویند شفاعت محقق می‌شود و بزرگان ادیان، شفاعت گنهکاران کنند تا از عذاب جهنم نجات یابند. شفاعت، اصطلاح کلامی وساطت باشد و سؤال ترک ضرر باشد از غیر بر سبیل تضرع و آن در اسلام ویژه حضرت رسول است» (سجادی، ۱۳۷۳: ۱۰۶۵).

## شخصیت شهاب محمود الحلبی

«محمود بن سلمان بن فهد بن محمود الحنبلی» مقلب به ابوالثنا شهاب الدین (۶۴۴-۷۲۵) ادیب بزرگی است که ۵۰ سال از عمرش را در دیوان‌های انشاء در مصر و شام گذراند. در حلب متولد شد و سرپرست دیوان انشاء

گرچه شعر توسل و ولایت علوی سرچشمه شعر شیعی و پدید آمدن گوهرهای ماندگار است، اما در نگاهی وسیع‌تر، آنچه به مقوله‌هایی همچون: اهل بیت، ولایت ائمه، محبت ذوی القربی، امامت علی بن ابی طالب (ع)، فضائل و مناقب خاندان عصمت، مدایح و مراثی عترت پیامبر مرتبط باشد، به نوعی شعر توسل محسوب می‌شود، که این درون مایه‌ها، به گستردگی در ادبیات شیعه مطرح است. از آنجا که امامت امیرمؤمنان (ع) نشان کمال دین و ارائه الگویی شایسته برای هدایت جامعه است. شاعران شیعی نیز همین جوهره ناب را در سروده‌های آیینی خویش بر محور ولایت مطرح کرده و فرهنگ غنی شعر توسل را بنیاد نهاده‌اند.

شعر توسل، هم بعد مدیحه هم مرثیه و هو بعد حماسی دارد، ولی بارزترین شاخصه‌ی شعر شیعی پرداختن به مسئله امامت اهل بیت (ع)، هدایتگری خاندان عصمت، احیای یاد، نام و فضائل آنان، بازگ کردن مظلومیت‌های خاندان رسالت و افشای جنایات ظالمان نسبت به اهل بیت پاک حضرت رسول اکرم (ص) است. از اینرو، در آیین شعر شیعی و در ادبیات ولایی و آیینی، تصویری از پاکی‌ها، فضیلت‌ها، مبارزات حق طلبانه، مظلومیت عترت، جلوه‌های حماسه عاشورا و فرهنگ شیعه، دیده می‌شود. از آنجا که حقیقت تشیع، باور ناب و مکتبی به حقایق هستی و اسلام است، ریشه‌دار و ماندگار است. شعر شیعی نیز جاودان و فروغ بخش و حرکت‌ساز بوده و گنجینه‌ای از علوم و معارف قرآن و اهل بیت (ع) است.

شعر توسل نشأت گرفته از باورهای ناب معتقدان به ولایت علوی است و آبشخور زلال و پایان‌ناپذیر آن، حُب اهل بیت (ع) عصمت و طهارت است. با پیشینه‌های درخشان و پیش‌کسوتانی نامور و محتوایی سرشار و غنی و متأثر از آیات کلام اله و معارف اهل بیت و اشارات قرآنی و حدیثی.

شعر دوره فترت از این صیغه استثناء نیست و کمتر شاعری در این دوره یافت می‌شود که محبت اهل بیت رسول خدا (ص) را وسیله قرب و نزدیکی به خداوند



علی بن ابی طالب علیه السلام است از آن دوستانش را آب می‌دهد و دشمنانش را جواب و هر که از آن شربتی بنوشد دیگر هرگز تشنه نمی‌شود و هر آینه طپش خواهند از روی میل و رغبت قوی از اصحاب من در حضور من در حالی که من بر سر آن حوضم پس گرفته می‌شوند. رو به سمت چپ، فریاد می‌زنم که پروردگارا اصحابم، خطاب می‌رسد که نمی‌دانی بعد از تو چه کردند» (صدوق، ۱۴۱۴: ۶۶).

«مقام محمود، مقامی است که تمام خلائق آنرا حمد می‌کنند و تعریف و تمجید می‌نمایند؛ و البته مورد حمد و تمجید همه خلائق قرار نمی‌گیرد مگر آنکه همه خلائق آن را نیکو و مستحسن به شمار آورند و همه از آن بهر مند و منتفع گردند. بر این اصل، مقام محمود را به مقامی که جمیع مخلوقات آنرا می‌ستایند و حمد می‌کنند و همه از آن بهره می‌برند، تفسیر نموده‌اند؛ و آن شفاعت کبری برای رسول اله (ص) در روز قیامت است. و بر این تفسیر روایات وارده از رسول اکرم و ائمه اهل بیت، همگی از شیعه و سنی اتفاق دارند» (حسینی طهرانی، ۱۴۲۳: ۳۲۹). اشاره به حدیث رسول گرامی اسلام دارد: اول من اشفع له يوم القيامة أهل بيتي (مرعشی، ۱۴۰۹: ۳۸۲).

أَقْلَبِنِي فَقَدْ جِئْتُ أَشْكُوا الذُّنُوبَ إِلَيْكَ وَأَنْتَ تَفِيلُ الْعِثَارَا  
فَكُنْ شَافِعِي يَوْمَ لَا شَافِعَ سِوَاكَ يَفُكُّ الْعِنَاءَ الْأَسَارَا  
(محمود الحلبي، بی تا: ۵).

مرا شاد و مسرور کن، آمده‌ام تا از گناهانم به تو شکایت کنم و تو بخشنده لغزش‌ها هستی.  
پس شفیع من باش در روزی که هیچ شفاعت کننده‌ای نیست تا بند از اسیران بگشاید.

يَرْجُونَ مِنْكَ شَفَاعَةَ لِمَعَادِهِمْ إِذْ لَيْسَ غَيْرِكَ شَافِعًا مَقْبُولًا  
وَالآنَ قَدْ صَارُوا إِلَيْكَ وَكُلَّهُمْ ضَيْفٌ لَدَيْكَ وَلِمَنْ تَرُدُّ نَزِيلًا  
فَاقْبَلْ ضِرَاعَتَنَا إِلَيْكَ وَكُنْ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالنَّجَاءِ كَفِيلًا  
فَاللَّهُ قَدْ اعطَاكَ مِنْ لَطْفِ بِنَا جَاهًا عَرِيضًا فِي الْمَعَادِ طَوِيلًا  
فَلَكِ الشَّفَاعَةُ وَاللَّوَا وَالْحَوْضُ إِنَّ كُلَّ غَدَا عَنْ قَوْمِهِ مَشْغُولًا  
(همان، ۱۲)

از تو برای روز قیامتشان امید شفاعت دارند، آنگاه شفاعت کسی غیر از تو پذیرفته نیست.

در دمشق شد و به مصر منتقل شد و در آن جا وفات یافت. شیخ صنعت انشاء در عصرش بود و گفته می‌شود: بعد از قاضی فاضل مانند او نبود، و تصنیف‌های زیادی دارد. از آثار او، آهنی المنائج فی أَسْنَى المَدَائِحِ، مقامه العشاق و منازل الاحباب و منارة الالباب می‌باشد. ابن حجر گفته است: قصاید شهاب اگر جمع می‌شدند به ۳۰ جلد می‌رسید و نثرش اگر جمع می‌شد مانند نظمش بود (زرکلی، ۱۹۸۰: ۱۷۲).

«وی نزد، ابن نجار فقه خواند. از ابن مالک فنون ادبیه را اخذ کرد. در حسن نظم و انشاء با قرآن خود تقدم یافت و بسیار با وقار، با ادعیه و نوافل و قرائت قرآن مواظب، در نظم و نثر و معرفت تراجم احوال خبیر بوده و در دمشق در دامنه کوه تاسیون مدفون گردید» (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴: ۲۶۹).

محمود الحلبي در دوره فترت یکی دیگر از شاعرانی است که بیشترین توسلات در اشعار او به چشم می‌خورد او از گناهان خود به پیامبر اکرم (ص) شکایت برده و او را بخشنده لغزش‌ها می‌داند، زیرا معتقد است پیامبر (ص) فرمود: «كُلُّ نَسَبٍ وَ صِهْرٍ مُنْقَطِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَسَبِي وَ سَبَبِي» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳۸). به همین سبب تنها منجی خود را رسول اسلام (ص) و اهل بیت مطهرش (ع) می‌داند.

دستجات مردم را میهمانان درگه پیامبر اکرم (ص) می‌داند و در روزی که کسی یارای شفاعت نیست امید به شفاعت پیامبر اکرم (ص) دارند. پیامبر صاحب شفاعت محمود، جاه، شفاعت، اللوا و حوض است. رسول خدا فرمود: «يَا عَلِيُّ إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُدْعَى بِكَ هَذَا لِقَرَابَتِكَ مِنِّي وَ مَنْزِلَتِكَ عِنْدِي فَيُدْفَعُ إِلَيْكَ لَوَائِي وَ هُوَ لَوَاءُ الْحَمْدِ فَتَسِيرُ بِهِ بَيْنَ السَّمَاوَاتَيْنِ وَ أَنَّ آدَمَ وَ جَمِيعَ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ يَسْتَظِلُّونَ بِظِلِّ لَوَائِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (همان، ۲۱).

ابن بابویه گوید: «اعتقاد ما در باب حوض کوثر این است که آن حق است و آنکه پهنای آن ما بین ایله و صنعا است. و آن حوض پیغمبر (ص) است و در آن است از ابریق‌ها و کوزه‌ها به عدد ستارگان آسمان و آنکه صاحب اختیار آب آن در روز قیامت پادشاه مؤمنان

می‌خورد که اگر شفاعت آن اشرف کائنات (ص) را از دست دهد، در برابر هجوم بدبختی‌ها چه کند! اقرار و امید دو واژه‌ای هستند که در ادبیات توبه و عذرخواهی شهاب محمود الحلبي به چشم می‌خورد، او در عین اینکه به زیادی و کثرت گناهانش اقرار دارد، با اطمینان به دستان پر فضل و بخشش رسول اکرم (ص) چشم امید دوخته و در حالی که از بار گناهانش ترسناک است، آنچنان با اعتماد به رضایت حضرت رسول (ص) امیدوار است و غیر از آن را برای خود سودمند و نافع نمی‌بیند.

إِن لَّمْ تَشْفِنِي بِالشَّفَاعَةِ فِي غَدٍ الْقَيْتِه لِشَقَايَ غَيْرُ مُدَافِعٍ  
(همان، ۲۴)

اگر در روز قیامت به وسیله شفاعت مرا شفا ندهی با بدبختی بدون مدافع برخورد می‌کنم.

سَفَرِي بَعِيدَ وَ الذُّنُوبَ كَثِيرَةً وَ سَوِي رِضَاكَ عَلَيَّ نِسْفِيعِي  
يَا أَكْرَمَ الْكِرْمَاءِ هَا أَنَا وَاقِفٌ رَجَاءً مُنْشِرِحَ وَ خَشِيَةَ ضَارِعِ  
أَرْجُو وَ أَحْشَى غَيْرَ إِنِّي وَاقِفٌ بَيْنَ دَيِّ بَدِيكَ وَثُوقَ رَاجِعِ قَاطِعِ  
(همان، ۲۵).

سفرم دور و گناهان بسیارند و غیر از خشنودی تو چیزی برایم سودمند نیست با وجود اینکه من امید به بازگشت دارم.

ای گرامی‌ترین بزرگواران، هان من ایستاده‌ام، امیدی گسترده و بیمی خاضع و فروتن. امیدوارم و می‌ترسم غیر از اینکه من به بخشش دستان تو همانند انسان مطمئن و امیدوار و قاطع، اطمینان دارم.

وَ شَافِعُ الْكُلِّ إِذَا مَا أَتَوْا / أَلَيْهِ عِنْدَ اللَّهِ يَسْتَشْفِعُونَ  
مُنْقِذُهُمْ مِنْ كَرْبِهِمْ يَوْمَ لَا تَنْفَعُهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَ الْبَنُونَ  
يَا نَبِيَّ يَا شَافِعِي يَا مُجِيرِي / يَا مَلَاذِي يَا عِصْمَتِي يَا عِمَادِي  
اشْتَكَيْتَنِي تَقَلُّ كَاهِلِي بِذُنُوبِي / وَ رَحِيلِي الدَّائِي وَ قَلِيلِي زَادِي  
(همان، ۸۴)

شفیع همه کسانی است که به نزد خداوند می‌آیند و از او طلب شفاعت می‌کنند. در روزی که ثروت و فرزندان هیچ سودی ندارد و نجات دهنده آنان از سختی‌هایشان است.

و اکنون به سوی تو روانه شده‌اند و همه آنان نزد تو مهمان هستند و بر هر کسی بخواهی مقیم می‌گرددی. خواری و زاری ما را بپذیر و در روز قیامت نجات و رهایی ما را عهده‌دار باش. خداوند از سر لطف بر ما آبرو و شرفی گسترده و بسیار در قیامت به تو عطا کرده است.

شفاعت و پرچم و حوض کوثر از آن توست و اگر هر رهبری از قومش ببرد و به خود مشغول شود.

«در روز قیامت کبری که روز توحید، ایمان و ظهور عرش الهی است فضیلت آن واسطه بزرگ آشکار می‌شود. او که صاحب پرچم معهود، مقام محمود، حوض مورد و شفاعت‌گر مشغعی است که شفاعتش رد نمی‌شود و ضمانتش از بین نمی‌رود، نزد خدایی که وعده کرده که گمانش را به ناامیدی مبدل نسازد و هرگز او را خوار نسازد و او را تمکین نکند و وعده کرده که هنگامی که مردم به سوی او روی آورند و از او شفاعت جویند او را در میان امتش ناخشنود نسازد و جز با خلعت احسان و تاج کرامتی که در قول الهی تجسم یافته با او روبه‌رو نشود: یا محمد! اَرْفَعْ رَأْسَكَ وَاشْفَعْ تُشْفَعْ وَ سَلْ تُعْطَ (مالکی، ۱۳۸۶: ۵۴). فَقَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اَرْفَعْ رَأْسَكَ وَ سَلْ تُعْطَ وَ اَشْفَعْ تُشْفَعْ (مجلسی، پیشین: ۱۰۷).

فُقِيلَ سَلْ تُعْطِ الْمُنَى وَ اَشْفَعْ تُشْفَعُ فِي الرَّدَى وَ اَرْفَعْ فَجَاهُكَ اَرْفَعْ فِيهِ الْيَكُ تَوْسَلِي وَ تَوْسَلِي وَ عَطَاكَ اَعْظَمُ مِنْ خَطَايَ وَ اَوْسَعُ (محمود الحلبي، پیشین: ۱۶).

پس به او گفته می‌شود بخواه، آرزویت برآورده می‌شود و شفاعت کن تا شفیع مردم شوی و بلند قدر باش که شرف و آبروی تو رفیع‌تر است.

پس واسطه و پیوند من به سوی تو به وسیله اوست و عطا و بخشش تو بزرگتر و گسترده‌تر از خطای من است.

معتذرانه رسول گرامی اسلام را خطاب قرار می‌دهد و مظلومانه بر محرومیت از شفاعت پیامبر (ص) افسوس



أَنْتُمْ بَنُوا الْمُخْتَارِ أَشْرَفَ عِتْرَةٍ فَعَلَيْكُمْ صَلَّى إِلَهُهُ وَسَلَّمَ  
(همان، ۱۳۰).

پس آنان ماه‌های درخشانند و کمال به عدالت در میان  
آنان تقسیم شده است.

سرورم! شما آقایان و سروران من هستید و شأن و ارزش  
من به خاطر شما اوج گرفته است.

آیات قرآن بر شما شهادت می‌دهند که شما از زمان  
تولد و پیش از آنان پاک و مطهرید.

شما فرزندان پیامبر(ع) برگزیده و گرامی‌ترین خاندان  
هستید پس سلام و درود خداوند بر شما باد.

شهاب محمود، پیامبر اکرم(ص) را شفاعت کننده  
مسلمانان و شفیع جمیع می‌داند. با اطمینان، امید به  
در رحمت و نیکی او گذارده و دست خود را که به  
وسيله گناهانش به گردنش بسته شده به شرافت و جاه  
پیامبر(ص) پناهنده می‌شود، و چاره‌ای در خود نمی‌یابد  
مگر اینکه با ناله، حسرت و فغان به درگاه پیامبر(ص)  
برود، و او را وسیله و واسطه، یاریگر و منجی خود بداند،  
درحالی که پیامبر اکرم(ص) را نگهبان خود می‌داند  
برخود ترسی راه نمی‌دهد.

مَالِي سَوَى اُنْسِي بِبَابِكَ وَاقِفْ صَبَّ اِرْدُدْ حَسْرَةً وَعَوِيلاً  
مُسْتَنْصِراً بِكَ مِنْ ذُنُوبِ خَذَلْتَهَا لَوْلَا نِدَاكَ تَرَدَدْتَنِي مَخْذُولاً  
يَا سَيِّدِي وَوَسِيْلَتِي اَنَا سَائِلٌ وَنِدَاكَ كَمْ اَعْطَى لِمِثْلِي السُّؤْلَا  
كَيْفَ تَخَافُ النَّفْسُ مِنْ دُونِهَا الرَّدَى وَذَاكَ النَّبِيُّ الْهَاشِمِيُّ حَفِيْرُهُ  
(همان، ۱۸).

من چیزی ندارم غیر از اینکه بر تو ایستاده‌ام،  
دلداده‌ای با حسرت، ناله و فغان تکرار می‌کند.

از گناهانی که در خلوت انجام داده، طلب یاری از تو  
دارد اگر بخشش تو نبود مرا خوار و ذلیل باز می‌گرداند.

ای سرور و واسطه من! خواهان بخشش توأم و بخشش  
تو چه بسیار به امثال من طالب، عطا شده است.

جان چگونه از هلاکت و پستی می‌ترسید؟ در حالی که  
آن پیامبر هاشمی(ص) نگهبان اوست.

الحلبی در این قصیده خداوند را موضع علاقه شکایت  
خود در ترس و امید می‌داند و به غیر از خداوند چشم

ای پیامبر من! ای شفاعت کننده! ای پناهگاه! ای پناه!  
ای نگهبان! ای تکیه‌گاه من!

از سنگینی شانه‌هایم به سبب گناهان و نزدیکی هجرتم  
به آخرت و کمی توشه‌ام به توشکایت می‌کنم.

شهاب محمودالحلبی، در ابیاتی در مدح اهل‌بیت(ع)  
نظم‌سرایی می‌کند، آنان را رازهای لطف و رحمت  
خداوند، دوستی آنان را واجب و مطهرانی که آیه تطهیر  
در شأن آنان نازل شده، می‌داند. علی(ع) را مولای خود،  
آنان را ماه‌های درخشانی برمی‌شمرد که آیات قرآن به  
پاکی و طهارت آنها شهادت می‌دهند.

أَسْرَارٌ لَطْفِ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَتْ بِهِمْ وَمَظَاهِرُ الْأَسْرَارِ فِي الْأَعْمَالِ  
مِنْ عِتْرَةٍ عِنْدِي أَعْدُؤُا وَلَاءَهُمْ وَتَنَاءَهُمْ مِنْ اعْظَمِ الْأَعْمَالِ  
فِي آيَةِ التَّطَهِيرِ قَدْ دَخَلُوا وَكُو وَالْبَيْتِ وَالِدَهُمْ عَلِيًّا فَهَوَى لِي  
قَلْبِي وَكُلَّ جَوَارِحِي وَمَفَاصِلِي تُشْتِي عَلَيْهِ وَمَا حَوَى سِرِّيَالِي  
فَقَلْبِنُ كَأَنِّي إِذْ لَهُ أَهْدِي النَّنَا أَضْحُ الْإِلَآئِي فِي يَدِي لِآئِي  
(همان، ۱۲۵).

رازهای لطف و رحمت خداوند در آنان آشکار گشته  
است و تجلی اسرار در کارهای آنان است.

از عترت و خاندانی هستند که دوستی و ستایش آنان  
نزد من از بزرگترین کارهاست.

نام آنان در آیه تطهیر آمده است و اگر پیشی گیرند  
قطعاً در برگیرنده آل‌عبا هستند.

پدرشان علی(ع) را دوست دارم و او مولای من است و  
کسی غیر از او مولا نیست.

دل و همه اعضای بیرونی بدنم و استخوان‌هایم و آنچه را  
که پیراهنم در بر دارد، بر او ثنا و ستایش می‌کنند.

انسان دانایی، وقتی من ثنا و ستایشم را به او هدیه  
می‌کنم گویی مرواریدها را در دستم به خاندانم می‌دهم.

فِيهِمُ الْبُدُورُ السَّاطِعَاتُ وَ اِنَّمَا بِالْعَدْلِ بَيْنَهُمُ الْكَمَالُ تَقْسَمًا  
مَوْلَايَ اَنْتُمْ سَادَتِي وَ سَيَادَتِي مِنْكُمْ وَ قَدْرِي فِي مَدَائِحِكُمْ سَمًا  
شَهَدَتْ لَكُمْ اَيُّ الْكِتَابِ بِاَنْتُمْ مُنْذُ الْوِلَادَةِ طَاهِرُونَ وَ قَبْلَ مَا

پیامبر اکرم(ص) برحق او می‌آورد و از او طلب شفاعت می‌کند و به پیامبر(ص) متوسل می‌شود و به اسماء مبارک حق تعالی این چنین متوسل می‌شود.

يَا مَنْ إِلَيْهِ بِعِزَّةٍ أُنْتَشَقَّعُ وَ بِذَلَّتِي أَعْتُوا لَدَيْهِ وَ أَخْضَعُ  
يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا نَجْدَتِي فِي وَحْدَتِي فَلْيَغْيِرْهُ لَا أُضْرَعُ  
يَا مُنْقِذِي مِنْ هَوْلٍ مَا هُوَ وَاقِعٌ فَلْيَغْيِرْ فَضْلَ نِدَاءِ لَا أُتَوَقَّعُ  
(همان، ۳۴).

ای کسی که به وسیله عزتش طلب شفاعت می‌کنم و به وسیله ذلتم نزد او خوار گشته‌ام و فروتنی می‌کنم. ای توشه من در سختی‌ها! ای یاریگر من در تنهایی‌ام! پس به غیر او فروتنی نمی‌کنم. ای نجات دهنده من! از ترس آنچه روی می‌دهد، به غیر فضل و بخشش او توقع ندارم.

إِلَهِي بِحَقِّ النَّبِيِّ الْكَرِيمِ أُجْرِنِي مِنْ شَرِّ هَذِي الْعِيَادِ  
فَلَيْسَ لِي غَيْرِي يَا غَنِيٌّ وَلَا وَسِيلَةٌ بِسُوءِ الْمَبْعُوثِ مِنْ مُضِرِّ  
خَيْرِ الْبَرِيَّةِ مِنْ حَافٍ وَ مُتَعَلِّجٍ وَأَشْرَفِ الْخَلْقِ مِنْ بَدْوٍ وَ مِنْ حَضْرٍ  
(همان، ۳۹).

خدایا به حق پیامبر بزرگوار(ص) مرا از شر این بندگان پناه بده. من غیر از فقرم چیزی ندارم، ای بی‌نیاز! وسیله‌ای جز پیامبر اکرم(ص) برای رفع زینکاری ندارم. بهترین مردم از میان پاره‌پاره‌ها و کفش‌پوشان، و شریف‌ترین مردم بادیه و شهر.

عَلَيْهِ اعْتِمَادِي فِي مَعَادِي مُؤْمَلًا شَفَاعَتُهُ إِذْ سَدَّدَ لِي السَّمَلَاهِبَا  
مَلَاذِي إِلَهِي وَ الشَّفِيعُ مُحَمَّدٌ فَحَسْبِي مَرْغُوبًا إِلَيْهِ وَ رَاغِبَا  
عَلَيْهِ سَلَامٌ اللَّهُ مَا دَرَّ شَارِقٌ وَ مَا أَطْلَعَ اللَّيْلُ النَّجُومَ التَّوَاقِبَا  
وَ صَلَّى عَلَيْهِ مَا هَبَّ الصَّبَا وَ هَزَّتْ عَلَيَّ أَعْطَافِ بَانَ ذَوَائِبَا  
(همان، ۵۵).

در روز قیامت توکل من به اوست در حالی که امید به شفاعت او دارم آنگاه زبانه‌های آتش مرا بازدارند. پناهگاه من خداوند و شفیع من حضرت محمد(ص) است، پس خواسته و آرزومندی من به سوی او، مرا بس است. سلام بر او باد! تا آن زمان که خورشید طلوع می‌کند و در شب ستارگان درخشان طلوع می‌کند.

امید نبسته. خداوند را غنی و بی‌نیاز و تمام موجودات مانند خود را فقیر می‌داند به دریای کرم الهی چشم امید بسته‌اند، درگاه الهی را بارگاه رحمت، دژ و حصر خداوند را جایگاه حفظ و امان می‌داند. خداوند را در وحشت تنها مونس و همدم می‌داند و با عباراتی زیبا و دلنشین رو به درگاه ایزدی می‌آورد.

هَذِي يَدِي تَدْعُوكَ فِي غَسَقِ الدُّجَى وَ الْخَلْقُ الْأَمْنُ بِبَابِكَ هَجَعَ  
أَدْعُوكَ دَعْوَةً مُسْتَجِيرٍ مَا لَهُ إِلَّا إِلَيْكَ مَدَا الزَّمَانُ تَطْلَعُ  
قَطْعَ الْوَسَائِلِ مِنْ سِوَاكَ وَ حَسْبُهُ صَلَاةٌ بِمَا إِذْ مِنْ سِوَاكَ تَقْطَعُ  
مُسْتَشْفِعًا بِالْمُصْطَفَى الْهَادِي الَّذِي هُوَ فِي الْقِيَامَةِ فِي الْعَشَا مُشْفِعُ  
فِيهِو الشَّفِيعُ الْمُرْتَجَى إِذْ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ هُنَاكَ لِفَيْرِ إِذْنٍ يَشْفَعُ  
وَ لَهُ الْوَسِيلَةُ وَ الْوَأَى وَ كُلُّ مَنْ فِي الْحَمْرِ جَاءَتْ مَاعَادَاهُ مُرَوَّعُ  
(همان، ۳۴).

این دست من است در تاریکی و ظلمات شب تو را می‌خواند و مردم با امنیت به درگاه تو پناه می‌آورند. همانند پناهنده‌ای تو را فرا می‌خوانم و کسی جز تو ندارد تا زمانی که روزگار طلوع می‌کند سپری می‌شود. وسایل و واسطه‌ها را از غیر تو قطع کرد و رسیدن به آن او را کافی است زمانی که از غیر تو می‌برد. آنگاه دست توسل و شفاعت رو به سوی بهترین مردم محمد مصطفی دراز می‌کند. از حضرت محمد مصطفی طلب شفاعت می‌کنم. هدایت کننده‌ای که در قیامت در تاریکی شبانگاه شفیع است. او شفاعت کننده است، به او امید بسته آنگاه کسی در آنجا بدون اجازه، شفاعت نمی‌کند.

او دارای وسیله و پرچم رحمت است و همه کسانی که در صحرای قیامت هستند غیر از او ترسناک می‌آیند.

وَالْحَوْضُ يُسْقِي مَنْ يَشَاءُ بِهِ وَ قَدْ بَلَغَ الرَّدَى مِنْ هَوْلٍ مَا يَنْجَرَعُ  
يَأْتِي فَيَسْجِدُ ثُمَّ يَحْمَدُ رَبَّهُ بِمَحَامِدِ مِنْ قَبْلِ لَمْ تَكُ تَسْمَعُ  
(همان، ۳۵).

و دارای حوضی است سیراب می‌کند هر کس را بخواهد و مردم از ترس جرعه جرعه از آن می‌نوشند. می‌آید، سجده می‌کند، پروردگارش را با ثنا و ستایشی تسبیح می‌گوید که پیش از آن شنیده نمی‌شود.

شهاب محمود الحلبی در قصیده عینیه‌اش پس از مناجات و نیایش با پروردگار عظیم‌الشأن رو به درگاه



و همنشین باش؛ با مردمی که با ضریح او همسایه‌اند پس به وسیله همسایگی با او بهترین و گرمی‌ترین مردم گشته‌اند.

آنان توشه من نزد پیامبر اکرم(ص) هستند و من امیدوارم که آنان مرا با احترام و بزرگداشت یاد کنند.

و اگر به وسیله او شایسته نباشم، بخشش و بذل شکست من، شفاعت کننده‌ای پیشگام است.

امیدوارم ساعتی که در آن هستم شفاعتم قبول شود و دعای آن در آن لحظه به من برسد پس آشتی کنان نزد او بروم.

### نتیجه گیری

دوره‌ی فترت یکی از دوره‌های تاریخی است که با فراز و نشیب‌های بسیاری توأم است و می‌توان آن را دوره تاریک تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بلاد اسلامی نامید. وقوع جنگ‌های متعدد، قتل و کشتار بسیار، توسط صلیبی‌ها و مغولان، اوضاع را بسیار نابسامان گردانده است و به تبع آن ادبیات عرب نیز حال و روز خوشی ندارد.

بخش عمده مضامین شعری دوره‌ی فترت، شعر مدح است و همین عامل اصلی در پیدایش و شکل‌گیری شعر توسل است و در کنار عوامل سیاسی و مذهبی حاکم بر دوره فترت، مودت و دوستی پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) چشمه سار زلال اندیشه شاعران این دوره است و شاعران بسیاری از شیعه و سنی دیوان خود را مزین به مدح و توسل به خاندان عترت و طهارت نموده‌اند و مضامین عدیده‌ای از اوصاف و مناقب این خاندان مطهر را به رشته نظم کشیده‌اند و اندیشه دوستی و توسل به این مقربان بارگاه عز و جل را که ناشی از عقاید جامعه عصر خویش می‌باشد، انعکاس داده‌اند.

### فهرست منابع

- ۱- حسینی طهرانی، سید محمد حسین (۱۴۲۳)، معاد شدنا سی، چاپ اول، مشهد: ناشر نور ملکوت قرآن.
- ۲- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۰)، الاعلام، الطبعة الخامسة، بیروت: دارالعلم للملایین.

درود بر او! تا آن زمان که باد می‌وزد و شبنم را بر گیاهی که بر درخت بان می‌پیچد تکان می‌دهد.

شهاب محمود الحلبي می‌سراید:

يَا كَرَّمَ اللهُ الْجُدُودَ وَ طَهَّرَ الْآبَاءَ  
وَ يَكُ اسْتِفَادَ أَبُوكَ أَعْظَمَ عَصْمَةٍ  
يَا مَنْ بِهِ الرُّسُلُ الْكَرَامُ تَوَسَّلُوا  
إِذْ وَكِدُوا كَجَيْلًا جَيْلًا  
أَضَحَّتْ عَلَيَّ كَرَمِ النَّجَارِ دَلِيلًا  
فَقَدْ تَوَسَّلْتُمْ بِهِمْ بِمَقْبُولًا  
(محمود الحلبي، (بيتا) ۱۳)

خدا نیاکان را به وسیله تو گرمی داشته و پدران و فرزندان تو را نسل به نسل به وسیله تو پاک و مطهر گرداند.

پدرت از بزرگترین عصمت به وسیله تو استفاده نمود و بر بزرگواری نجاران راهنما گردید.

ای کسی که پیامبران بزرگوار (علیهم السلام) به او متوسل می‌شوند و فردای قیامت توسلشان به او پذیرفته می‌شود. اشاره دارد به اینکه، دعای انبیا به واسطه توسل و شفاعت این خانواده مستجاب شده است (مجلسی، پیشین: ۳۲۰).

توسل به همسایگان و زائران قبر پیامبر اکرم(ص) یکی دیگر از نمونه‌های توسل در دیوان شهاب محمود الحلبي است و برآورده شدن آرزوها و درخواست را از مزایای زیارت قبر مبارک پیامبر(ص) می‌داند:

أَجِيرَانِ قَبْرِ الْمُصْطَفَى هَلْ عَلِمْتُمْ  
أَجِيرَانِ قَبْرِ الْمُصْطَفَى أَنْتُمْ الَّذِي  
سَلُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمُصْطَفَى بِضَرِيحِهِ  
وَ أَصْحَبَ قَوْمًا جَاوِرُوهُ فَاصْبِرُوا  
هُمُ عِدَّتِي عِنْدَ النَّبِيِّ وَ أَنَّنِي  
وَ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَاكَ فَانْ لِي  
عَسَى سَاعَةً فِيهَا الْقَبُولُ يَنَالُنِي  
بِأَنْ فَوَّادِي يَوْمَ قَوَّضْتُ مُخَيَّمًا  
يَحَارِبُكُمْ مِنْ جَاءَكُمْ مِنْتَمَهَا  
لَا حَظِي بِكُمْ عِنْدَ الضَّرِيحِ وَ الْغَمَا  
بِجِيرَتِهِ خَيْرَ الْأَنْامِ وَ الْاَكْرَمَا  
لَأَرْجُوهُمْ أَنْ يَذْكُرُونِي تَكْرَمَا  
بِذَلِ انْكَسَارِي شَافِعًا مُتَقَدَمَا  
دَعَاهُمْ فِيهَا فَاتِيهِ مَحْرَمَا  
(محمود الحلبي، (دبيتا)، ۳۱)

ای همسایگان قبر حضرت محمد شما کسانی هستید که می‌جنگند با شما کسانی که نکوهش کننده نزد شما می‌آیند.

در نزد پیامبر اکرم(ص) به حرمت بارگاه و مرقدش از او بخواهید، نزد مرقد به شما توجه می‌کند و نعمت می‌دهد.



- ۳- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۳)، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ سوم، تهران: ناشر دانشگاه تهران.
- ۴- صدوق (۱۴۱۴)، الاعتقادات، چاپ دوم، قم: ناشر الموتر العلمی للشیخ المفید.
- ۵- غرویان، محسن (۱۳۶۸)، شفاعت از دیدگاه عقل و نقل، چاپ اول، تهران: اداره کل پشتیبانی فرهنگی معاونت بین الملل بعثه.
- ۶- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- ۷- محمود الحلبي، شهاب الدين (۱۲۹۷)، أهني المنائح في أسني المدائح، بخط مصطفى ابراهيم، فتح الله.
- ۸- مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۷۴)، روحانه الادب، چاپ چهارم، تهران: انتشارات خیام.
- ۹- مرعشی، نور الله (۱۴۰۹)، احقاق الحق و ازهاق الباطل، مقدمه و تعلیقات از مرعشی نجفی، الطبعة الاولى، قم: الناشر مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

